



سعید دست‌به‌کار شد و به سراغ خیران و بازاری‌هایی که از توان مالی خوبی برخوردار بودند رفت. طرح تشکیل مرکز درمان ناباروری را برایشان توضیح داد و «ضرورت» ایجاد این مرکز را با آنها در میان گذاشت. تلاش‌هایش نتیجه بخش بود. خیران از طرح استقبال کردند و در نهایت مبلغ نسبتاً زیادی جمع شد

نمی‌توانستند تا ساختمان رویان بیایند و به خاطر نبودن گازوئیل برای موتورخانه، ساختمان سرد شده بود. شب قبل از عمل، دکتر کاظمی که رئیس مؤسسه رویان بود، همراه همکارانش از تقریباً یک کیلومتری مؤسسه، جایی که ماشین‌های حمل‌گازوئیل توقف کرده بودند، گازوئیل‌ها را با پیت‌های بیست‌لیتری حمل می‌کردند و به مخزن گازوئیل می‌رساندند تا ساختمان برای فردا گرم و مهیا باشد و این کار تا نزدیک صبح طول کشید. به هر زحمتی که بود، کم‌کم مقدمات درمان اولین بیمار نابارور فراهم می‌شد. زمان زیادی نگذشت. یک سال بعد از تأسیس رسمی رویان، درمان ناباروری با روش آی‌وی‌اف نتیجه داد و اولین نوزاد به دنیا آمد. هم‌زمان امید هم در خانواده رویان شکفت. اولین نوزاد لقاچ آزمایشگاهی، سیمین نام گرفت؛ همانم با کوجه‌ای که ساختمان کوچک رویان در آن واقع بود. آن روز فقط اهالی کوجه نبودند که صدای گریه‌های سیمین را شنیدند، بلکه طنینش تا آنجا رفت که مسئولان گفتند: «در زعفرانیه بمانید.» (دکتر علی صدیقی، از دوستان دهه ۶۰ سعید دوران جبهه و جهاد دانشگاهی).

### مرکز درمان ناباروری رویان

در آن مقطع، هیچ‌یک از دستگاه‌ها و تجهیزات پیشرفته ضروری برای این کار در کشور وجود نداشت و باید از خارج تهیه می‌شد. هزینه‌ها بسیار سنگین بود و جهاد دانشگاهی توان تأمین چنین بودجه‌ای را نداشت. جسارت و توانمندی سعید اینجا به کار آمد. با پیگیری‌های او، مسئولان جهاد معادل ۱۵ تا ۲۰ درصد بودجه لازم برای تأسیس این مرکز را اختصاص دادند، اما این مقدار کافی نبود. سعید دست‌به‌کار شد و به سراغ خیران و بازاری‌هایی که از توان مالی خوبی برخوردار بودند رفت. طرح تشکیل مرکز درمان ناباروری را برایشان توضیح داد و «ضرورت» ایجاد این مرکز را با آنها در میان گذاشت. تلاش‌هایش نتیجه بخش بود. خیران از طرح استقبال کردند و در نهایت مبلغ نسبتاً زیادی جمع شد. سعید به افراد مختلفی مراجعه کرد که بتوانند امکاناتی را فراهم کنند. برای اینکه آن مرکز راه بیفتد، لیست بلندبالایی از خیران کمک کردند. دکتر کاظمی در جذب خیلی از این خیران به صورت مستقیم دخالت داشت. برای گرفتن این کمک‌ها خودش مراجعه می‌کرد و این روحیه خوب را داشت. هیچ هم از اینکه به خیران مراجعه داشته باشد ابا نداشت. بیشتر خیرانی بودند که در بازار بودند و بعضی هم غیربازاری. کارخانه‌دارانی بودند که ما خیلی وقت‌ها اسامی اینها را اعلام نکردیم. برای آنها به زبان شیوا توضیح می‌داد و سعی می‌کرد که از آنها بودجه بگیرد. در این راه هم موفق بود و توانست بسیاری از امکانات را با کمک همین خیران تهیه بکند. مرحوم حاج آقا لطف (پدرخانم ایشان) در شناسایی خیران و جلب اعتمادشان خیلی به دکتر کمک کردند. (دکتر حمید گورابی)

از روابط خانوادگی و دوستی گرفته تا روابط مملکتی و ارتباط با اهل قدرت، همه را به کار بست تا بتواند این بودجه را فراهم کند. با تأمین بودجه لازم، بچه‌های جهاد دانشگاهی انواع دستگاه‌های درمانی را خریداری و وارد کشور کردند. جا و مکانی هم نداشتند؛ گوشه کلینیک شهید رحمت در چهارراه حافظ، اتاقی گرفتند و موقتاً مستقر شدند. آن اتاق هم برای این بود که پزشکان متخصص زنان، بیماران را ویزیت کنند و آنها را داد و طلب اعمال درمان ناباروری کنند. حداقل‌ها فراهم آمده بود. باید مجموعه هویت پیدا می‌کرد. سال ۱۳۷۰، اولین گام، انتخاب نام برای مجموعه بود. انتخاب نام رویان، برای مؤسسه و کلمه ساخته برای مجله پژوهشی که هردو از کلمات اصیل فارسی و گویای زمینه فعالیت است از پیشنهادهای ارزنده دکتر کاظمی بود. (دکتر ابوالفضل فقیهی، از دوستان دهه ۶۰ سعید کاظمی آشتیانی).

### تولید سلول‌های بنیادی

دقیقاً ۴۵ روز قبل از زمانی که دکتر نوید داد جمهوری اسلامی ایران موفق به تولید رده انسانی سلول‌های بنیادی جنینی، رویان H1 شده است، ژاپن اعلام کرده بود که به این تکنولوژی دست یافته است. با این حساب نام ایران در کنار ۹ کشور دیگر صاحب این

